

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۳۱ جنوری ۲۰۲۴



یونس نگاه

## به وطنداران یوتیوبر:

وقتی از فرد، خانواده یا محله‌ای گزارش می‌دهید در بیان وضعیت مردم، حتی اگر ناچارترین باشند، به عزت نفس آنان توجه داشته باشید. ما همه مثل هم هستیم و دوست نداریم فرودست و ناچار جلوه کنیم. دوست داریم در افتادگی‌ها نیز اطرافیان تصویر کامل زندگی ما را ببینند، و با صفات بیچاره، بدبخت و ناتوان خطاب نشویم. چرا که هر کدام ما قبل از آن‌که به زمین بیفتیم و شکار دوربین یوتیوبر یا خبرنگاری شویم، سال‌ها عرق ریخته‌ایم و برای پیروز شدن و سرپا ماندن همت به‌خرج داده‌ایم.

مثلاً وقتی داستان خانواده نادر و گرفتار فقر را بیان می‌کنیم، خوب است در گزارش خود به‌جای خرد و خمیر کردن آنان و اشاره بیهم به ناداری و کم‌بضاعتی، بگوئیم که آن خانواده چقدر برای بقاء زحمت کشیده است، به دستان پینه پینه پدر، به نان خشک زیبایی که مادر پخته است، به پاکیزگی خانه و لباس کهنه شان و این که چطور شب و روز زحمت می‌کشند اشاره کنیم.

اگر عزت نفس آدم‌ها را آسیب بزنیم، کمک اثر نمی‌گذارد. کمک در صورتی مؤثر است که گیرنده آن را مایه ننگ نداند و نوعی پاداش حساب کند. اگر کمک با ننگ همراه شود، عده‌ای را از نظر ذهنی آسیب می‌زند و شاید آن چند لقمه نان برای همیشه چون داغ به‌خاطرشان بماند. کسانی را تنبل می‌سازد و انگیزه کار و تلاش را از آنان می‌گیرد.

این کمک‌ها در هر سطحی، چه برای فرد و چه برای یک منطقه و ملت باشد، تنها در صورتی مؤثر تمام می‌شود که در دریافت‌کنندگان کمک انگیزه کار و تلاش را تقویت کند، به غرور و اعتبار اجتماعی شان آسیب نرساند.

مثلاً وقتی به محله‌ای می‌روید که در آن گروهی از آدم‌های فراموش‌شده لباس مناسب، غذای کافی، مکتب آباد و معلم ماهر ندارند، دو راه برای بیان وضعیت آنان است. یکی این‌که تعدادی از آنان را روبه روی کامره نشانده و از کهنگی لباس، تن لاغر، جیب خالی و دست‌تنگی‌های شان قصه کنیم که برای هیچ انسانی خوش‌آیند نیست؛ دیگری این که از

آنان به خاطر مقاومت در آن شرایط سخت تمجید کنیم و توضیح دهیم که چطور توانسته‌اند با امکانات ناچیز کارهای کلان کنند، چگونه با تمام محرومیت تسلیم نشده‌اند، از طوفان‌ها جان سالم برده‌اند و با وجود آن‌که مکتب آباد ندارند زیر درخت و سایه سنگ صنف برگزار می‌کنند.

کمک را می‌توانیم چون احسان و ثواب طلب کنیم، و یا چون وظیفه بشری به‌خاطر حمایت از مردمی که پرتلاش و زحمت‌کش‌اند تا یک قدم پیش‌تر بروند. مثلاً وقتی به مکتب ویرانه مواجه می‌شویم اگر به‌جای اوایلا و ناچار و ناتوان جلوه دادن مردم آن محل، بگوئیم که چگونه کودکان مستعد و توانا به دلیل نبود فرصت از تعلیم محروم مانده‌اند و اگر حمایت شوند، می‌توانند مردان و زنان بزرگی شوند و به جامعه و مردم خود خدمت کنند.

کمک هر قدر باشد، اگر حس کار و مسئولیت‌پذیری را در مردم تقویت نکند، عزت نفس آدم‌ها را تقویت ننماید، مؤثر نخواهد بود. کمک‌ها باید پاداش باشند، حمایت و همکاری باشند، نه ثواب و دل‌سوزی و گداپروزی.